

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۶ دسمبر ۲۰۱۶

یاد دهانی لازم به دوستان صفحات فیسبوک!

فردی به نام [Rauf Akef] که از مدتی است در فیسبوک ها و از جمله در فیسبوک ماهم به نام دوست نفوذ کرده است ؛ از آنجائی که توسط دوست محترم ما به نام (" دوست شما ") به حیث عنصر جاسوس تشخیص گردید و توسط ما هریک رفیق پوپل ، رفیق (Raof Mahar Aaeen) ، رفیق بشیر نبی ، رفیق نذیر دلسوز و این قلم، نیز هویتش به مثابه عنصر نفوذی کدام سازمان جاسوسی تثبیت گردید که برای خدمات معین (از جمله شناسی افراد) به داخل فیسبوک ها خزیده است و ما نیز وی را فرد جاسوس تشخیص کرده از جمله دوستان خود حذف نمودیم.

از تمام دوستان خواهش می کنیم تا عوامل رنگارنگ دشمن را تشخیص داده و در انتخاب دوست دقت لازم را به خرج دهند.

اینک نظر دوست گرامی ما (« دوست شما ») که قبلاً در صفحات فیسبوک بازتاب داده شده در ذیل تقدیم می شود:

دوست شما

ساعت ۵ .

« به دوستان فیسبوکی ام دوستانه آگاهی می دهم :

شخصی تحت نام داکتر صاحب عاکف در فیسبوک خود را معرفی نموده که این شخص داکتر عاکف نبوده و صرف به غرض جاسوسی با بعضی مبارزین در فیسبوک شان داخل گردیده که منتهای رذالت سیاسی بوده و ممکن از وابستگان حزب منفور خلق و پرچم باشد . من او را از فیسبوکم بلاک نمودم و شما هم می توانید بلاک نمایید . تا اضافه به خصوصیات ما رخنه ننماید.

ما باید بیاموزیم از اشتباهات مان تا در آینده به کج راهه نرویم.

درود بر دوستانم. «

از رفقای جنبش چپ انقلابی و مردم آزاده ام قلباً تمنا می کنم که نوشته ای ذیل را با دقت بخوانند:

معرفی جاسوسی که طی سه دهه شناخته نشده!

زمانی ما بالای این جاسوس (" رؤوف عاکف ") که اسم دزدی شده داکتر عاکف می باشد ، شک کردیم ، من نامه ذیل را عنوانی وی فرستادم:

جناب گرامی داکتر صاحب احمد "رؤوف هاکف!"

با عرض سلام و حرمت، شما فرموده اید که یکی از بنیانگذاران "سازمان اخگر" و هم چنان سخنران و مدرس (Lecturer) فاکولتۀ طب کابل بودید و از "کندهار" می باشید و فعلاً در "لندن" زندگی می نمایند. طوری که من آگاهی دارم داکتر صاحب "هاکف کندهاری" در سه دهۀ اخیر گوشه نشینی اختیار نموده و مریضی عاید حال شان می باشد و در یکی از شهر های "ایران" زندگی می نمایند. چندی قبل از طریق و رای مجازی اطلاع حاصل کردم که کسی شما را محکوم به سوء استفاده از نام و مشخصات داکتر صاحب "هاکف کندهاری" کرده و جاسوس و... خطاب نموده است؛ اما شما در مورد خاموشی اختیار نموده و دفاع نکردید؛ چرا؟ همین مسأله باعث شد و خواستم تا بدانم که آیا واقعاً شما داکتر صاحب "هاکف کندهاری" هستید یا خیر؟ اگر هستید، در سی سال گذشته کجا بودید و از فعالیت های سیاسی تان بنویسید؟ چندی پیش شما از طریق "فیسبوک" تقاضا کردید که به نشرات ، جراید و... "اخگر" اشد نیاز دارید. این مسأله من را کنجکاو ساخت و با خود گفتم که چگونه بنیانگذار "اخگر" به نشرات این سازمان دسترسی ندارد؟ به هر صورت آرزو مندم که در مورد تشریح داده و من را از تشویش برهانید. البته من عضو اخگر "نبودم" و اما در ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ جراید و... اخگر از آلمان برایم متواتر می رسید .

با احترام میرویس

پیش جاسوس نام « جا » مبرید که کند ریزد و پیشاب از دماغش

اینک به جوابی که « رؤوف عاکف » (یا همان « زریر شهرد » جاسوس) عنوانی من در بخش خصوص فیسبوک نوشته:

« سلام، اول این که نوم من را نادرست نوشته کردید. نام من عاکف است، نه هاکف؟ دوم، من در مریض نبودم، بلکه زندانی بودم. فعلاً مدت ۲ سال میشود، که در لندن مهاجر هستم. شما کی کستید؟ ما خودرا معرفی کردم، که مارکیسیست _ لنیست و اضحا ضد اپرتونیسیم میباشم. با احترام منظورم اپرتونیسیم، باند های جنایت پیشه ،سامایی، خلقی، پرچم، رهایی و دیگر گروهایی اسلامی چون گلبدین، سیاف،... است در کلمه جاسوس که گفتید، من از قندهار هستم. اما کون گای نستم، شما ادرس را غلط کردید، به گلبدین، یا دوستم، یا مجید اپرتونیسیت بنویس که لبهای تورا میرویس جان درست بچوشد .»- آگاهانه ویراستاری نشده- پورتال

اینک آنچه من در مورد این جاسوس نوشته ام :

"داکتر احمد عاکف قندهاری یا همان (Zarreer Shamard)" لوگری !

از آنجائی که تو جاسوس و خاین به مردم و افغانستان هستی ، من نباید احترامانه برایت بنویسم . از همین سبب ضمیر منفصل «شما» را که ارج گذاشتن به طرف مقابل است ، به کار نمی برم و ترا فقط با کراهت و نفرت طبقاتی « تو» خطاب می کنم.

و گپ هائی دارم که باید به زبان خودت عنوانی تو بنویسم (به گفته بیدل):

در مزاج بدرگان جز فحش کی دارد اثر زخم سک را جز زیان سگ چسان مرهم کنیم

« تربوز رو» گنده خشتک ! تو اسم فیسبوکی ات را "Rauf Akef" معرفی کرده ای، بدانجهت من (هاکف) نوشتم. از

آن بابت پوزش می خواهم.

نخست توجه کن به غلطی های املائی، انشائی و گرامری ات:

[صورت صحیح آن را در بین قوس مربع نوشته ام]

« سلام، اول اینکه [این که] نوم من را نادرست نوشته کردید [نام من را درست نوشته نکرده اید]. نام من عاکف [«عاکف»] است، نه هاکف [«هاکف»]؟! [!؟] دوم، من در مریض نبودم [من مریض نبودم]، بلکه زندانی بودم. فعلاً [فعلاً] مدت ۲ [۲] سال میشود [می شود]، که در لندن [لندن] مهاجر هستم. شما کی کسئید؟ [شما کی هستئید؟] ما [من] خود را معرفی [معرفی] کردم، که مارکسیست _ [-] لننیست [لننیست] [و] واضحا [واضحاً] ضد اپرتونیسیم [اپرتونیسیم-اپرتونیزم] میباشم [می باشم]. باحترام [با احترام] منظورم اپرتونیسیم؟ [اپرتونیزم باند های جنایت پیشه [پیشه ای] ،؟ سامایی [سامائی] ، خلقی، پرچم [پرچمی] ، رهایی [رهائی] و دیگر گروهایی [گروه های] اسلامی چون گلبدین، سیاف، ... است ["حزب اسلامی گلبدین"]، ["اتحاد اسلامی سیاف "]، و ... است [.] در کلمه [کلمه ای] جاسوس که گفتید، من از قندهار هستم. [و] ، [.] شما ادرس [آدرس] را غلط کردید، [باید] به گلبدین ، یا دوستم [گلبدین ، یا " دوستم "]، [و] یا مجید ["مجید"] اپرتونیسیت]،

خنده آور است این که "داکتر عاکف قندهاری" و "بنیانگذار"، "سازمان اخگر"، تا به حال شیوه استفاده از (،) را نمی داند. معلوم نیست املاء (املا) و انشاء را از کدام کورس سواد آموزی فرا گرفته که از دستور زبان اصلاً چیزی نمی داند ؟

حالا به نقد از لاطانات و ترهات این جاسوس مکار و بی ننگ و عار می پردازم . جاسوسی که از افشای نام و هویت اصلی اش (لوگری بودنش) می شرمد ، گاهی در زیر چادری « زیر شهرد (Zarreer Shamard) ، پنهان می شود ، و زمانی هم تحت نام "داکتر عاکف"، ظاهر می گردد تا مردم از فعل و انفعالات سخت ننگینش در گذشته ها آگاه نگرددند.

این همجنسگرا که حتی از فاعلان همجنس بازش هم نمی شرمد ، به پاسخ اینچنین نوشته:

« سلام، اول اینکه نوم من را نادرست نوشته کردید. نام من عاکف است، نه هاکف؟ دوم، من در مریض نبودم، بلکه زندانی بودم. فعلاً مدت ۲ سال میشود، که در لندن مهاجر هستم. شما کی کسئید؟ ما خود را معرفی کردم، که مارکسیست _ لننیست واضحا ضد اپرتونیسیم میباشم ... باحترام »

این را می دانم هر چه در مورد فرومایگی و شرافتباختگی این جاسوس بنویسم اثری بر وی نخواهد داشت ؛ زیرا که به سایه درخت ضرورت میرم دارد.

داکتر "عاکف کندهاری"، سی سال است که انزوا اختیار کرده و هیچ گونه فعالیت سیاسی نداشته و فعلاً مریض می باشد. استفاده از نام و نشان دیگران جرم است . آرزومندم که یاران و خانواده داکتر "عاکف کندهاری"، موضوع را به اطلاع ایشان برسانند تا باشد در زمینه چیزی بنویسد.

چطور شد که دولت پوشالی خلقی- پرچمی و خادی، برای یک شعله ئی سرشناس مانند "داکتر عاکف کندهاری"، مدت دو سال زندان تعیین کرد و بعداً رهاش نمود؟ در حالی که اعضای کمیته مرکزی ، کادر ها و اعضای سازمان اخگر را در زیر شکنجه های وحشیانه به قتل رساندند.

به فرض محال این جاسوس "لوگری" (" قندهاری" کذائی) ، اگر واقعاً "داکتر عاکف کندهاری"، باشد. حالا باید بگوئید و بنویسد در کدام سال زندانی و چه وقت از زندان رها شده است؟ گفته که دو سال می شود که در "لندن" زندگی می کند [در این جای هیچ شک نیست با MI6 به اصطلاح «همکار» می کند به همین سبب به درون حزب کمونیست

انگلستان خزیده] بناءً در ۲۶ سال متباقی در کدام کشور زندگی می کرد؟ خلقی ها و پرچمی ها ، ادعای "مارکسیست - لنینیست" بودن را می کردند. شعله نی ها، "مارکسیزم - لنینیسم - مائوتسه دون اندیشه" را چراغ پر فروغ راه انسانی شان قرار داده بودند و تا کنون همان مسیر درخشان را تعقیب می کنند. اخگری ها "مارکسیست - لنینیست" و طرفدار نظرات «انور خوجه» بودند و با همین نام برآمد می نمودند، منتها این "کوانتل پرو"، ادعا کرده که یک تن از به اصطلاح «بنیانگذاران» "سازمان اخگر" می باشد! پس چطور "اندیشه انور خواجه" ("خوجه ایزم") را پسوند "مارکسیست - لنینیست" بودنش قرار نداده ... ؟

با ارج فراوان به کادر ها و رهبران "سازمان اخگر"، که توسط زنازادگان خلقی- پرچمی، سلاخی شدند، همه می دانند که اخگری ها ، نخست "مائوتسه دون اندیشه" را پذیرفته ، بعداً از خط انقلابی منحرف شدند و به اپورتونیزم رو آورده و در منجلاب "خوجه ایزم" غلتیدند. سوال در این جا است که چرا این اپورتونیزم شعبده باز که ادعای اخگری بودن را می کند؛ از "انور خوجه" یادی نکرده و تنها به "مارکسیست - لنینیست" بودنش بسنده نموده است؟ این جاسوس که تا کنون داغ « زنگ » پاهایش خوب نشده و « دامن » های رقص و « زنگ » پاهایش را چون چیزی متبرک می بوید و می بوسد نوشته :

"منظورم اپورتونیزم، باند های جنایت پیشه ، سامایی، خلقی، پرچم، رهایی و دیگر گروهایی اسلامی چون گلبدین، سیاف، ... است."

تعریف اپورتونیزم در ادبیات سیاسی چیست؟ مارکسیست لنینیست چیست؟ این شاید ناموس باخته به اثبات رسانده که جاسوس و شکنجه گر (خاد) بوده و با باند و طرفروش به اصطلاح «حزب دمکراتیک خلق»، ارتباط ارگانیک و نزدیک داشته و حالا هم برای منافع آنان و باداران روسی و انگلیسی شان علیه پاکبازترین فرزندان خلق افغانستان از پشت کمپیوتر و از ورای مجازی فعالیت نموده و تبلیغات خاینانه می نماید .

یک عنصر واقعاً انقلابی و ملی هیچ گاهی نه "ساما" و نه "رهائی" و نه هیچ سازمان ، گروه و محفل برخاسته از «جنبش دمکراتیک نوین افغانستان» را در ردیف جنایتکاران خلقی- پرچمی و خادی قرار نمی دهد. ساما یک سازمان تراز نو و پیشتاز در جنبش مقاومت ملی و انقلابی کشور بود و ضربات مرگبار به جنایتکاران خلقی- پرچمی - خادی و باداران روسی شان وارد ساخت. عقده مندی این « بچه بی ریش » و « بازنگر لوگری » زیر چادری پنهان شده؛ ارتباط تنگاتنگ به همین موضوع (دشمنی جاسوسان روس با فرزندان مبارز مردم با اضافه دستور های داده شده از جانب MI6) دارد .

این جاسوس نوشته : « شما کی هستید؟ » من کی هستم ! این خاین قبل از این که بداند من از جاسوس بودنش چیز هائی فهمیده ام ، من را به مثابه یک جوان انقلابی تعریف و توصیف می نمود ، نوشته هایش نزد من موجود می باشد. حالا می پرسد که من کی هستم؟ فکر کنم که عقل و منطق ، نه از مغز بل از مقعدش تراوش می کند . این جاسوس وجدان مرده ، چشمپاره ، فرصت طلب و شر انداز و نفاق افکن می باشد و کوشش می کند تا بین عناصر انقلابی فاصله و دشمنی ایجاد نماید! زهی خیریت!

"داکتر عاکف لوگری" ساختگی به سان سگ های تعلیمی پولیس جفیده اینطور نوشته:

« در کلمه جاسوس که گفتید، من از قندهار هستم. اما کون گای نستم، شما ادرس را غلط کردید، به گلبدین، یا دوستم، یا مجید اپورتونیزم بنویس که لبهای تورا میرویس جان درست بچوشد».

من این مفعول فزیکتی - استخباراتی (اطلاعاتی) را جاسوس خطاب نکرده ؛ بل برایش نوشتم که « چندی قبل از طریق ورای مجازی اطلاع حاصل کردم که کسی شما را محکوم به سوء استفاده از نام و مشخصات داکتر صاحب "هاکف

کندهاری" کرده و جاسوس و.....خطاب نموده است؛ اما شما در مورد خاموشی اختیار نموده و دفاع نکردید. چرا؟» از آنجائی که عقل این جاسوس از درون مدفوعش بر می خیزد، نه از درون کابک جمجمه آگنده از اسناد و اطلاعات جاسوسی اش، از همین سبب (هرازگاهی) از خط استخباراتی داده شده توسط باداران امپریالیستی اش عدول نموده چیز هائی می نویسد که سبب افشاء و بر ملاشدن خودش می گردد. وی یکی از کم عقلان سیاسی و آگاه اطلاعاتی یک جاسوس محیل، سابقه دار و بی ناموس می باشد که هم خود و هم علیا مخدره اش را در اختیار استخبارات دولت های گذشته و امپریالیست ها قرار داده و ننگ و طنفروشی و ناموس فروشی را در بدل به دست آوردن مقام، شهرت و پول، با افتخار و لذت قبول نموده است.

این جاسوس از اهالی شریف لوگر می باشد و لوگری بودن نه تنها عیب نیست؛ بل لوگر دارای فرزندان غیور، انقلابی و با شهامت می باشد. نمی دانم که چرا از لوگری بودنش شرم دارد و خودش را به (...) مبارزان کندهاری، آویزان کرده و مصروف گاز خوردن می باشد؟ یک کندهاری اصیل نخست، هیچ گاهی نمی گوید که (نوم من) "عاکف" است و دوم، هیچ وقت خودش را "کندهاری" خطاب نکرده بل کندهاری، می گوید.

این جاسوس باید بداند که من آدرسش را غلط نکرده؛ بل آگاهانه برای این مفعول چشمپاره که تحت اسم های مختلفی و زیر پرهای عقابان جنبش، ماکیان وار تقدق می کند؛ نوشتم.

در این اواخر افشاء گری های ما سبب شده که دوستان و رفقاء از همجنسگرانی، ناموس فروشی و جاسوس بودن این فرومایه شرفباخته، که در سه دهه سپری شده هیچ کس وی را نشناخته؛ آگاه گردند.

اهانت نمودن به سردار آزادگان، مجید قهرمان، با اسم های مستعار، کار مفعول ها و پست فطرتان و جاسوسانی از قماش همین آدمک سیاسی و فعال اطلاعاتی می باشد و بس؛ حتی دشمنان تاریخی و طبقاتی مجید، چنین بی ناموسانه و با شیوه نامردانه، به وی چنین حمله و توهین نکرده و نمی کنند. از یک «بازنگر بچه بی ریش» و جاسوس برحال و فعال؛ توقعی بیشتر از این نمی رود.

این جاسوس که یکبار خود را به زنده یاد "سیدال سخندان" پیوند می زند. بار دیگر خود را یک تن از مؤسسين "اخگر" معرفی می نماید و از نام داکتر "عاکف" استفاده های سیاسی می کند؛ از جانب دیگر با خاد کنونی کابل ارتباط داشته از لندن به کابل و از کابل به لندن در رفت و آمد بوده زیر نام «کمک» و «مساعت» های طبی با عده ای ساده اندیش و خوشباور در تماس بوده با دوستی ها و شورای نظاری ها، از یک پاچه گوز زده، پشتون ستیزی می کند و یا با استفاده و تقلید میمون وار از واژه های کوچه و بازار ایرانی، در آتش فروزان اختلافات زبانی، هیزم خشک می اندازد! باید بداند که نوشته هایش را که عنوانی این قلم ارسال کرده تا کنون نزدم موجود می باشد و اگر لازم شد در "فیسبوک" و سایت ها پست می کنم.

داکتر صاحب "عاکف"، شعله ئی سابقدار بود و شعله ئی ها به "مارکسیزم-لنینیزم-اندیشه مائوتسه دون" اعتقاد راسخ داشتند و دارند. قرار اطلاع، داکتر صاحب "عاکف" در "ایران" زیست داشته و در حالت مریضی به سر می برند. مطمئنم که داکتر صاحب "عاکف"، هیچ گاهی به سویه این شیاد و جاسوس مفعول؛ خودش را پائین نیاورده و به شخصیت بی بدیل مجید قهرمان و خانم های مردم، توهین نمی کند.

سلسله معرفی این جاسوس و اسم های مستعاری را که وی در سی سال اخیر استفاده کرده است، ادامه دارد.....
اسم اصلی اش نزدم قید می باشد و در آینده افشاء می کنم.